تحلیل

قیمت نفت از بالاترین رکورد ۶ ماهه عقب‌نشینی کرد

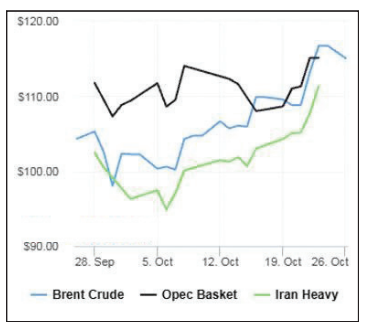

قیمت نفت که هفته گذشته به بالاترین حد خود در شش ماه گذشته صعود کرده بود، در معاملات روز دوشنبه بازار جهانی با امید به کاهش تنش‌های مرتبط با تجاوز نظامی امریکا به ایران، کاهش یافت. به گزارش ایسنا، قیمت آتی نفت خام وست تگزاس اینترمدیت امریکا ۲ دلار و ۲۳ سنت یا ۲.۱۶ درصد کاهش یافت و به ۱۰۱ دلار و ۴ سنت در هر بشکه رسید. قیمت آتی نفت خام برنت نیز ۲ دلار و ۲۱ سنت یا ۱.۸۹ درصد کاهش یافت و به ۱۱۴ دلار و ۵۱ سنت در هر بشکه رسید. روز جمعه، در پی حملات نیروهای یمنی به عربستان سعودی که نگرانی‌هایی را درباره عرضه انرژی برانگیخت، قیمت‌ها با افزایشی نزدیک به ۳ دلار بسته شدند. نفت برنت هفته گذشته را با رشد ۶ درصدی و نفت وست تگزاس اینترمدیت (WTI) با رشد ۲.۳ درصدی به پایان رساندند. واندانا هاری، بنیان گذار موسسه تحلیل بازار نفت «واندا اینسایتس» گفت: «نگرانی‌ها در مورد از سرگیری درگیری‌های نظامی در خاورمیانه - که عامل اصلی افزایش قیمت نفت خام در هفته گذشته بود - صبح امروز کاهش یافته، اما این آرامش ممکن است موقتی باشد.» او افزود: «انتظار داریم نوسانات همچنان بالا باقی بماند و ریسک‌ها همچنان به سمت افزایش قیمت‌ها متمایل باشند.» پیامدهای تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران که از ۲۸ فوریه (۹ اسفند) آغاز شد، همچنان ادامه دارد و شرکت‌ها در تلاشند خود را با اختلالات ایجاد شده در کشتیرانی تجاری از طریق تنگه‌های کلیدی هرمز و باب‌المندب — که ناشی از این درگیری است — وفق دهند. وزرای انرژی عربستان سعودی و سنگاپور روز دوشنبه اعلام کردند که شرکت نفت دولتی «آرامکو» عربستان، از نیمه دوم سال ۲۰۲۷ ذخیره‌سازی نفت خام در سنگاپور را آغاز خواهد کرد. هدف از این اقدام، تقویت تاب‌آوری زنجیره تامین آرامکو در این منطقه است. پریانکا ساچدوا، مدیر بخش بینش بازار در شرکت «فیلیپ نووا» گفت: «اگرچه ریسک‌های مربوط به عرضه در تنگه هرمز همچنان به قوت خود باقی است، اما عقب‌نشینی فعلی قیمت‌ها بیشتر نشان دهنده تعدیل موقعیت‌های معاملاتی و مدیریت ریسک است تا بهبود واقعی در وضعیت بنیادین عرضه.» بر اساس گزارش رویترز، فاتح بیرول، رییس آژانس بین‌المللی انرژی، نیز با تاکید بر نگرانی‌ها پیرامون وضعیت عرضه، روز دوشنبه در یک رویداد صنعتی در سنگاپور اظهار کرد که انتظار ندارد بازارهای انرژی در سال ۲۰۲۷، به شرایط پیش از آغاز جنگ علیه ایران بازگردند.

خبر

واردات گاز از روسیه؛ راهکاری برای جبران کسری یا گامی به سوی تجارت

مدیر پیشین امور بین‌الملل شرکت ملی گاز ایران گفت: پروژه واردات گاز از روسیه نه تنها می‌تواند خلأها را پوشش دهد، بلکه می‌تواند مسیر ورود ایران به عرصه تجارت گاز را هموار کند. مهران امیرمعینی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی ایلنا در ارزیابی ضرورت واردات گاز از روسیه اظهار داشت: ما طی چند سال گذشته همواره به دنبال واردات گاز از روسیه بوده‌ایم و اکنون زمان آن فرا رسیده که به‌طور جدی برای عملیاتی شدن این پروژه اقدام کنیم. وی افزود: با توجه به وضعیت فعلی میادین گاز و ناترازی‌های موجود، به‌ویژه در استان‌های شمالی و شمال شرق که در زمستان با کمبود مواجه هستند، واردات از روسیه می‌تواند بخشی از این نیاز را پوشش دهد. مدیر پیشین امور بین‌الملل شرکت ملی گاز ایران تصریح کرد: ما پیش‌تر گاز مورد نیاز خود را از ترکمنستان تأمین می‌کردیم، اما اکنون شرایط برای تنوع‌بخشی به منابع تأمین از طریق روسیه فراهم شده است. امیدواریم این پروژه پیش از شدت سرما محقق شود. وی در خصوص چالش همیشگی قراردادهای بین‌المللی، در زمینه مسائل مربوط به تسویه مالی و تحریم‌ها گفت: موضوع مباحث مالی اصلا مانعی برای برقراری این ارتباط گازی نیست و کاملا قابل حل است. با توجه به بده‌بستان‌های موجود میان دو کشور، می‌توان از طریق ریال، روبل یا حتی دلار هزینه‌ها را تسویه کرد. همچنین به‌نظر می‌رسد با اتصال ارتباطات بانکی دو کشور، مسیرهای مالی باز شده است. حتی اگر مدل گاز در برابر برق (Gas-for-Electricity) پیاده‌سازی شود، مشکلات مالی همچنان قابل مدیریت خواهد بود. امیرمعینی بیان داشت:؛ ما در حال حاضر قراردادهای نفتی و گازی متعددی با کشورهایی نظیر چین، عراق و ترکیه داریم و در زمینه تسویه مالی با آنها با چالشی روبرو نیستیم. بنابراین، اجرای پروژه با روسیه نیز چالش مالی مشابهی نخواهد داشت. شاید مهم‌ترین بحث، موضوع قیمت گذاری باشد. وی ادامه داد: روس‌ها نیز تجربه بالایی در این زمینه دارند و احتمال دارد مسیرهای نوینی برای تسویه حساب‌های مالی پیشنهاد دهند. اگر عزم لازم و توافق اولیه حاصل شود، مشکل اساسی در اجرا نخواهیم داشت. این کارشناس حوزه انرژی درباره نیاز به توسعه زیرساخت‌های جدید گازی تصریح کرد: ما نیازی به ساخت زیرساخت‌های کاملا جدید نداریم و می‌توانیم از زیرساخت‌های موجود از طریق ترکمنستان و آذربایجان استفاده کنیم. البته برای توسعه ظرفیت‌ها، باید به فکر سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش‌های مرتبط باشیم. وی در ادامه در خصوص احتمال وابستگی به گاز روسیه خاطرنشان کرد: واردات گاز از روسیه به معنای وابستگی گازی نیست؛ چراکه ایران خود تولیدکننده بزرگی است و ذخایر قابل توجهی در اختیار دارد. موضوعی که تاکنون در کشور به‌طور جدی پیگیری نشده، تجارت گاز است. ما باید حتی اگر مازاد تولید داشتیم، تجارت گاز را در دستور کار قرار دهیم؛ یعنی گاز وارد و همزمان به همسایگان شرقی و جنوبی صادر کنیم.

گزارش «تعادل» از چشم‌انداز تبدیل ایران به چهارراه ترانزیت گاز منطقه

چالش‌های پنهان؛ مرز باریک میان امنیت انرژی و وابستگی

با نزدیک شدن به فصل سرما، زنگ خطرهای ناترازی گاز در ایران بار دیگر به صدا درآمده است؛ اما زمستان امسال تفاوت بنیادینی با سال‌های گذشته دارد. این‌بار تهران به‌جای تکیه صِرف بر سناریوهای تکراری «مدیریت مصرف»، «افت فشار خطوط خانگی» یا «توقف دستوری چرخ صنایع بزرگ»، نیم‌نگاهی جسورانه به همسایگان شمالی انداخته است. حضور هیات بلندپایه ایران در مسکو هم‌زمان با اجلاس مجمع کشورهای صادر کننده گاز (GECF)، نشانه آشکاری از تغییر جهت عقربه‌های سیاست گذاری انرژی است؛ رویکردی که تلاش دارد ناترازی فزاینده کشور را از طریق واردات و ترانزیت گاز از مبدأ روسیه مهار کند.

ایران با در اختیار داشتن دومین ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان و تولید روزانه بالغ بر ۷۲۷ میلیون مترمکعب تنها از پهنه مشترک پارس جنوبی، از حیث روی کاغذ نباید در گیر کوچک‌ترین اضطراب انرژی باشد. اما واقعیت میدانی تصویر دیگری ارایه می‌دهد: شکاف میان تراز تولید و مصرف در پیک زمستان، به کسری فراتر از ۱۰۰ میلیون مترمکعب در روز تنه می‌زند. این یعنی اگر تدبیری خارج از خطوط داخلی اندیشیده نشود، هزینه مستقیم این شکاف را نیروگاه‌های تولید برق و کارخانجات فولاد و پتروشیمی با سوخت مایع، مازوت‌سوزی یا توقف کامل خطوط تولید پرداخت خواهند کرد؛ هزینه‌ای که خروجی آن افت تولید ناخالص داخلی، تشدید آلودگی کلان‌شهرها و رکود صنعتی خواهد بود.

علاوه بر افت طبیعی فشار در مخازن پارس جنوبی و نیازمندی مبرم آنها به فناوری‌های نوین فشارافزایی، هرگونه چالش یا آسیب ناگهانی در سامانه‌های پالایشی و خطوط انتقال ساحلی، بلافاصله زنگ هشدار شبکه سراسری را فعال می‌کند. در چنین مختصاتی، واردات گاز نه یک انتخاب تزئینی، بلکه یک الزام پدافندی و تاکتیکی است.

مذاکرات اخیر میان طرفین، تصادفی و برآمده از بحران‌های لحظه‌ای نیست؛ بلکه زنجیره‌ای از رایزنی‌های فشرده فنی و حقوقی است که طی ماه‌های گذشته در چارچوب کمیسیون مشترک اقتصادی پیش برده شده و اکنون از تفاهم‌نامه‌های نمادین به فاز اجرایی و عملیاتی لغزیده است.

کانون اصلی این تعامل، قرارداد موسوم به «ژنرال فریم‌ورک» است. اسناد زیربنایی، جانمایی ترمینال‌های ورودی در نوار شمالی کشور، بررسی فشار خطوط لوله و ضوابط فنی انتقال تقریباً به فرجام رسیده و مدل اجرایی نیز در قالب فازبندی‌های تدریجی (شامل فاز آزمایشی اولیه و تزریق پله‌ای) طراحی شده است تا سلامت فنی خطوط و سازوکارهای تست فشار محک بخورد. اکنون صحنه اصلی روی دو متغیر حیاتی متمرکز شده است: فرمول تعیین قیمت نهایی گاز تحویلی و سازوکار تسویه مالی در شرایط تحریمی. توافق بر سر ارقامی که توجیه اقتصادی واردات برای دولت را حفظ کند و در عین حال سازوکاری ارزی یا تهاتری که بتواند بدون انسدادهای بانکی بین‌المللی کار کند، آخرین حلقه این توافق استراتژیک به شمار می‌رود.

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های ژئوانرژیک ایران، دوری میادین اصلی گازی (جنوب کشور) از قطب‌های بزرگ مصرف، صنایع سنگین و پرجمعیت‌ترین استان‌ها در نوار شمالی و شمال غرب است. برای انتقال گاز از عسلویه به تبریز، رشت یا مشهد، هزاران کیلومتر لوله‌گذاری با چندین ایستگاه تقویت فشار فعال است که خود این شبکه طولانی، اتلاف انرژی و افت فشار محسوس به همراه دارد.

تثبیت پایدار فشار شبکه شمالی: بخش عمده گاز وارداتی مستقیماً به مصرف استان‌های سردسیر و صنایع شمالی می‌رسد؛ بنابراین شبکه سراسری از فشار بار طاقت‌فرسای پمپاژ جنوب به شمال رها می‌شود.

کاهش سوخت‌سوزی معکوس و آلایندگی: نیروگاه‌های حرارتی مرکز و شمال کشور دیگر ناچار نخواهند بود با قطع گاز به سمت مازوت‌سوزی بروند؛ امری که هزینه محیط‌زیستی و لجستیکی انتقال نفت‌کوره را به صفر نزدیک می‌کند.

تغذیه بی‌وقفه پتروشیمی‌ها: صنایع پتروشیمی که ستون فقرات درآمدهای غیرنفتی کشور هستند، بدون ترس از قطع گاز خوراک در زمستان، تولید پیوسته خود را حفظ خواهند کرد.

در سوی دیگر این معادله، فدراسیون روسیه قرار دارد. تحریم‌های فلج‌کننده غرب و انفجار یا انسداد خطوط لوله متصل به بازار اروپا (نظیر نورد استریم)، شرکت گازپروم را با صدها میلیارد مترمکعب گاز مازاد و محبوس مواجه کرده است. برای مسکو، یافتن مسیرهای ترانزیتی و مشتریان جدید در آسیا مساله حیات و ممات اقتصادی است. از سوی دیگر، ترکمنستان نیز برای رساندن منابع غنی خود به بازارهای آزاد جهانی به بن‌بست‌های جغرافیایی خورده است.

ایران در این مختصات، یک برنده ذاتی است؛ جغرافیای ایران کوتاه‌ترین، اقتصادی‌ترین و امن‌ترین مسیر برای اتصال این گازهای مازاد شمالی به بازارهای تشنه انرژی در جنوب و شرق است. اگر راهبرد انرژی کشور از «صرف واردات برای مصرف داخلی» به «سوآپ و بازصادرات» تکامل یابد، می‌توان با دریافت گاز در شمال، معادل آن را از بنادر جنوبی به بازارهای بزرگی چون شبه‌قاره هند یا سایر متقاضیان حاشیه خلیج‌فارس تحویل داد. این بازی برد-برد، ایران را از جایگاه یک کشور متقاضی آسیب‌پذیر، به یک «هاب ترانزیت و مبادله گاز منطقه‌ای» ارتقا می‌دهد.

با وجود تمام مزایای روشن، ورود به چنین میدانی مستلزم احتیاط و محاسبات دقیق اقتصادی-امنیتی است. چند نکته کلیدی باید در تاروپود قراردادها گنجانده شود:

تضمین پایداری جریان: تجربه تلخ سال‌های گذشته در نوسان‌های زمستانی واردات گاز از ترکمنستان نباید در قرارداد با مسکو تکرار شود؛ متن حقوقی باید شامل بندهای تنبیهی بازدارنده برای هرگونه افت فشار یا قطع ناگهانی در روزهای یخبندان باشد.

قیمت گذاری شفاف و رقابتی: نرخ خرید گاز وارداتی نباید چنان گران باشد که یارانه هنگفتی را به دوش بودجه عمومی تحمیل کند، به‌ویژه در شرایطی که فروش گاز به شبکه خانگی و صنعتی داخلی با نرخ‌های یارانه‌ای عرضه می‌شود.

فراموش نکردن توسعه بالادستی: واردات گاز نباید به مُسکنی بدل شود که ضرورت حیاتی سرمایه‌گذاری برای حفظ تولید و فشارافزایی در پارس جنوبی و توسعه مخازن گازی مرکزی را به فراموشی بسپارد. گاز وارداتی باید اهرمی برای خرید زمان باشد تا میادین داخلی جان تازه‌ای بگیرند.

حضور سران اجرایی کشور در مسکو و نشست‌های تخصصی جی‌ئی‌سی‌اف، نقطه عزیمتی تاریخی در دیپلماسی انرژی ایران است. اگر مسکو و تهران بتوانند بر چالش فرمول قیمت و تسویه ارزی غلبه کنند و نخستین فاز جریان گاز روسیه از طریق خطوط لوله به نوار شمالی کشور تزریق شود، نه‌تنها بحران کسری ۱۰۰ میلیون مترمکعبی زمستان امسال تا حد چشمگیری مهار خواهد شد، بلکه زیرساخت‌های انرژی ایران پس از سال‌ها انزوا، جایگاه واقعی خود را در نقشه تجارت استراتژیک جهان بازمی‌یابند. مهار ناترازی گاز آزمونی مهم است، اما تبدیل ایران به پل طلایی انرژی اوراسیا، فتح قله‌ای است که ارزش این ریسک دیپلماتیک را دارد.

سرپرست وزارت نفت:

امنیت انرژی جهان در گروی احترام به حاکمیت ملی کشورهاست

سرپرست وزارت نفت با تأکید بر پیوند ناگسستنی امنیت انرژی با صلح، ثبات منطقه‌ای، امنیت زیرساخت‌های حیاتی و احترام به حاکمیت ملی کشورها، گفت: مداخله‌ها و اقدام‌های نظامی امریکا و تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی، افزون بر آسیب به منافع مشروع ملت ایران، بر امنیت سرمایه‌گذاری و قابلیت پیش‌بینی بازارهای جهانی انرژی تأثیر منفی گذاشته است.

به گزارش ایسنا، بیست‌وهشتمین نشست وزارتی مجمع کشورهای صادر کننده گاز امروز (دوشنبه، چهارم آبان) یک روز پیش از برگزاری هشتمین نشست سران مجمع کشورهای صادر کننده گاز آغاز به کار کرد. بررسی تحولات بازار گاز، امنیت انرژی و توسعه همکاری میان کشورهای عضو از محورهای مهم آن است.

حمید بورد امروز در این نشست، با ابراز خرسندی از حضور در شهر تاریخی مسکو و جمع وزیران و هیات‌های نمایندگی کشورهای عضو و ناظر مجمع کشورهای صادر کننده گاز، بر ضرورت تبادل نظر درباره تحولات راهبردی صنعت گاز، چالش‌های پیش‌روی بازارهای انرژی و مسوولیت مشترک این مجمع در شکل‌دهی به آینده‌ای باثبات و برخوردار از امنیت انرژی تأکید کرد.

وی با قدردانی از دولت و ملت فدراسیون روسیه برای میزبانی شایسته این نشست، یاد و خاطره شهدای جنگ اخیر امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، به‌ویژه رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره)، و تمامی غیرنظامیان بی‌گناه، از جمله کودکان مدرسه میناب و ورزشکاران باشگاه ورزشی لامرد را گرامی داشت.

سرپرست وزارت نفت با اشاره به بیست‌وپنجمین سالروز تأسیس مجمع کشورهای صادر کننده گاز تأکید کرد: نظام جهانی انرژی در یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های تحولات ژئوپلیتیک، اقتصادی و فناورانه قرار دارد.

بورد تصریح کرد: بحران انرژی اخیر ناشی از جنگ تحمیلی امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران، بار دیگر نشان داد که امنیت انرژی، مفهومی فقط اقتصادی یا فنی نیست، بلکه پیوندی ناگسستنی با صلح، ثبات منطقه‌ای، امنیت زیرساخت‌های حیاتی و احترام به حاکمیت ملی کشورها دارد. تجربه اخیر نشان داد که نتیجه چنین تجاوزهایی می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای منطقه داشته باشد و امنیت عرضه انرژی و رشد و توسعه اقتصادی را در مقیاس جهانی تحت تأثیر قرار دهد.

سرپرست وزارت نفت با اشاره به پیامدهای مداخله و اقدام‌های نظامی امریکا در مناطق مختلف از جمله خلیج فارس و تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی تأکید کرد: این اقدام‌ها افزون بر هدف قرار دادن حقوق و منافع مشروع ملت ایران، بر فضای اعتماد، امنیت سرمایه‌گذاری و قابلیت پیش‌بینی بازارهای جهانی انرژی نیز تأثیر منفی گذاشته است.

بورد افزود: جمهوری اسلامی ایران معتقد است که امنیت انرژی جهان بدون امنیت تولیدکنندگان انرژی، احترام به حاکمیت ملی آنها، سرمایه‌گذاری پایدار و همکاری موثر بین‌المللی محقق نخواهد شد.

سرپرست وزارت نفت با تأکید بر اینکه در چنین شرایطی، مجمع کشورهای صادر کننده گاز باید بیش از گذشته به بستری برای تقویت هم‌گرایی، گفت‌وگو و همکاری عملی میان کشورهای تولیدکننده تبدیل شود، گفت: هشتمین نشست سران مجمع نیز فرصتی ارزشمند برای تقویت این رویکرد و ترسیم افق جدیدی از همکاری‌های راهبردی اعضاست. بورد با بیان اینکه مجمع کشورهای صادر کننده گاز که در سال ۲۰۰۱ در تهران پایه‌گذاری شد، اکنون در آستانه ورود به مرحله تازه‌ای از حیات نهادی خود قرار دارد، تصریح کرد: تحولات شتابان جهان ایجاب می‌کند که در کنار حفظ اصول بنیادی مجمع، اولویت‌ها، ابزارها و سازوکارهای همکاری خود را متناسب با شرایط جدید بازآرایی کنیم.

وی انعطاف‌پذیری در برابر بحران‌های جهانی انرژی، تقویت جایگاه راهبردی گاز طبیعی در آینده انرژی جهان و گسترش همکاری‌های سرمایه‌گذاری، مدیریتی و فناورانه را از اولویت‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای مبنای این تحول دانست.

سرپرست وزارت نفت با اشاره به تجربه بحران بهداشتی کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰ و تحولات ژئوپلیتیک سال ۲۰۲۶ افزود: این رویدادها نشان داد که بازارهای جهانی انرژی بیش از هر زمان دیگری در معرض شوک‌های پیش‌بینی‌ناپذیر قرار دارند.

بورد با تأکید بر اینکه مجمع کشورهای صادر کننده گاز باید توانایی خود را برای شناسایی زودهنگام مخاطرات، تحلیل سناریوهای بحرانی و ارایه پاسخ‌های هماهنگ تقویت کند، ادامه داد: به این منظور، لازم است موضوع بازنگری در راهبرد بلندمدت مجمع با تأکید بر تقویت زنجیره ارزش گاز طبیعی در دستور کار قرار گیرد. گاز طبیعی به دلیل قابلیت اتکا، فراوانی، انعطاف‌پذیری عملیاتی، کاربردهای گسترده صنعتی و نقش مکمل آن در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، همچنان از ارکان مهم امنیت انرژی و توسعه اقتصادی جهان خواهد بود.

سرپرست وزارت نفت یادآور شد: بر اساس چشم‌انداز جهانی گاز مجمع، تقاضای جهانی گاز طبیعی تا سال ۲۰۵۵ با ۳۱ درصد افزایش به بیش از ۵۴۰۰ میلیارد مترمکعب افزایش می‌یابد و سهم آن در ترکیب انرژی جهان از حدود ۲۳ درصد به ۲۶ درصد می‌رسد.

بورد با اشاره به اینکه این پیش‌بینی‌ها بیانگر تداوم اهمیت راهبردی گاز طبیعی در دهه‌های آینده است، بیان کرد: اما، ظرفیت گاز طبیعی برای کمک به امنیت انرژی، توسعه صنعتی و مقابله با فقر انرژی، فراتر از روندهای پیش‌بینی‌شده کنونی است.

وی با بیان اینکه پیشنهاد می‌کنم دبیرخانه مجمع با مشارکت اعضا، امکان «تدوین نقشه راه ارتقای سهم گاز طبیعی در ترکیب انرژی جهان» با هدف بلندپروازانه دستیابی به «سهم ۳۰ درصدی» را بررسی کند، گفت: چنین نقشه راهی باید مبتنی بر مطالعات اقتصادی، ارزیابی تقاضای بلندمدت، الزام‌های سرمایه‌گذاری و ملاحظات محیط زیستی باشد.

سرپرست وزارت نفت ادامه داد: ضروری است کشورهای عضو، در برابر مقررات و سازوکارهای اقلیمی که می‌توانند محدودیت‌های نامتوازن بر تجارت و سرمایه‌گذاری انرژی ایجاد کنند، از جمله آثار احتمالی «سازوکار تنظیم مرزی کربن اتحادیه اروپا»، رویکردی هماهنگ، مبتنی بر واقعیت‌های فنی و منافع مشترک اتخاذ کنند. بورد با اشاره به اینکه کشورهای عضو مجمع با در اختیار داشتن بخش عمده‌ای از ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان، از جایگاهی ممتاز در تأمین انرژی آینده برخوردارند، افزود: اما برخورداری از منابع عظیم زیرزمینی به‌تنهایی تضمین‌کننده امنیت عرضه نیست.

وی تصریح کرد: آنچه منابع گاز را به فرصتی برای ایجاد امنیت در انرژی تبدیل می‌کند، سرمایه‌گذاری به‌موقع، دسترسی به فناوری، توسعه زیرساخت‌ها و اطمینان از وجود تقاضای پایدار است.

سرپرست وزارت نفت افزود: بر اساس گزارش چشم‌انداز جهانی گاز مجمع، تأمین نیازهای آینده جهان تا سال ۲۰۵۵ مستلزم حدود ۱۱ تریلیون و ۶۰۰ هزار دلار سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی و ۷۳۵ میلیارد دلار در بخش میان‌دستی صنعت گاز خواهد بود؛ رقمی که در مجموع از ۱۲ تریلیون دلار فراتر می‌رود.

بورد یادآور شد: این حجم عظیم سرمایه‌گذاری، ضرورت ایجاد محیطی باثبات، پیش‌بینی‌پذیر و برخوردار از سازوکارهای تأمین مالی مناسب را آشکار می‌سازد. به گفته وی، همکاری کشورهای عضو می‌تواند بر سه حوزه مشخص متمرکز شود؛ نخست، بررسی سازوکارهای مشترک تأمین مالی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گازی، با استفاده از ظرفیت نهادهای مالی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، دوم، توسعه همکاری‌های فناورانه، انتقال دانش فنی، آموزش سرمایه انسانی متخصص و اجرای پروژه‌های مشترک در بخش‌های بالادستی، میان‌دستی و پایین‌دستی، که ایران در این زمینه از تجارب زیادی برخوردار است و سوم، تقویت گفت‌وگوی ساختاریافته میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، با هدف افزایش امنیت تقاضا، کاهش مخاطرات سرمایه‌گذاری و ایجاد تعادل پایدار میان منافع عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان.

سرپرست وزارت نفت تصریح کرد: دبیرخانه مجمع می‌تواند در این زمینه نقشی فعال‌تر در شناسایی فرصت‌های همکاری، تسهیل ارتباط میان نهادهای تخصصی اعضا و پیگیری نتایج عملی این تعاملات ایفا کند. بورد تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشنهاددهنده و یکی از بنیان گذاران اصلی مجمع کشورهای صادر کننده گاز، همواره بر ضرورت تقویت همکاری‌های چندجانبه، احترام متقابل و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک برای توسعه پایدار صنعت گاز تأکید داشته است.

وی افزود: به این منظور، دولت چهاردهم جمهوری اسلامی ایران نیز در چهارچوب قانون برنامه هفتم پیشرفت، توسعه همکاری‌ها با سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی انرژی به‌ویژه مجمع کشورهای صادر کننده گاز را از اولویت‌های دیپلماسی انرژی خود قرار داده است.

سرپرست وزارت نفت یادآور شد: ایران با برخورداری از دومین ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان، موقعیت راهبردی جغرافیایی و ظرفیت‌های گسترده فنی، صنعتی و انسانی، از توانمندی‌های قابل توجهی برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است.

بورد با اشاره به دهه‌ها تحریم و پیامدهای جنگ‌های تحمیلی ایران بیان کرد: صنعت گاز ایران توانسته است با اتکا به ظرفیت‌های داخلی به ظرفیت تولید سالانه حدود ۳۰۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی دست یابد و در زمره سه تولیدکننده بزرگ گاز طبیعی جهان قرار گیرد.

وی تصریح کرد: گاز طبیعی سهمی در حدود ۷۰ درصد از سبد انرژی کشور را به خود اختصاص داده و شبکه گسترده گازرسانی ایران حدود ۹۵ درصد جمعیت کشور را تحت پوشش قرار داده است.

سرپرست وزارت نفت با بیان اینکه این دستاوردها نشان‌دهنده ظرفیت صنعتی، مهندسی و مدیریتی ایران و تجربه ارزشمند آن در توسعه زیرساخت‌های گسترده گازرسانی است، گفت: آمادگی داریم این تجربیات و ظرفیت‌ها را در چهارچوب همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، در اختیار توسعه پروژه‌های مشترک و تقویت توانمندی‌های اعضای مجمع قرار دهیم.

بورد تأکید کرد: آینده صنعت گاز طبیعی نه‌تنها به حجم ذخایر و ظرفیت تولید، بلکه به کیفیت همکاری، ثبات سیاست‌گذاری و توانایی ما در پاسخ‌گویی مشترک به چالش‌های جهانی وابسته است.

وی بیست‌وپنجمین سالروز تأسیس مجمع را فرصتی برای آغاز فصل تازه‌ای از همکاری‌های نتیجه‌محور، سرمایه‌گذاری مشترک و هم‌گرایی راهبردی دانست و بیان کرد: اطمینان دارم که با اراده جمعی اعضا و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دبیرخانه، می‌توانیم جایگاه مجمع کشورهای صادر کننده گاز را به عنوان یکی از نهادهای موثر در گفت‌وگوهای جهانی انرژی بیش از پیش تقویت کنیم.

سرپرست وزارت نفت تصریح کرد: امیدوارم نتایج این نشست و هشتمین نشست سران مجمع کشورهای صادر کننده گاز، گامی موثر برای تقویت همبستگی اعضا و تحقق منافع مشترک کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده گاز طبیعی باشد.

به گزارش ایسنا، مجمع کشورهای صادر کننده گاز چارچوبی بین‌دولتی برای گفت‌وگو و هماهنگی میان کشورهای تولیدکننده و صادر کننده گاز طبیعی است. نشست سران کشورهای عضو مجمع کشورهای صادر کننده گاز هر دو سال یک بار برگزار می‌شود. نخستین نشست سران این مجمع در سال ۲۰۱۱ در دوحه قطر برگزار شد و پس از آن، مسکو در سال ۲۰۱۳، تهران در سال ۲۰۱۵، سانتاکروز بولیوی در سال ۲۰۱۷، مالابو گینه استوایی در سال ۲۰۱۹، دوحه در سال ۲۰۲۲ و الجزیره در سال ۲۰۲۴ میزبان دوره‌های بعدی این نشست بودند. این مجمع همچنین از زمان تأسیس تاکنون ۲۷ نشست در سطح وزیران برگزار کرده است.

این مجمع ۱۲ عضو اصلی شامل الجزایر، بولیوی، مصر، گینه استوایی، ایران، لیبی، نیجریه، قطر، روسیه، ترینیداد و توباگو، امارات متحده عربی و ونزوئلا دارد. آنگولا، جمهوری آذربایجان، عراق، مالزی، موریتانی، موزامبیک، پرو و سنگال نیز کشورهای ناظر آن هستند.

بر اساس آمارهای اعلام‌شده، کشورهای عضو در مجموع حدود ۷۰ درصد ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان، ۳۸ درصد تولید تجاری گاز و ۴۲ درصد صادرات گاز جهان را در اختیار دارند. سهم این کشورها از صادرات گاز طبیعی مایع‌شده نیز حدود ۴۷ درصد برآورد شده است.

رویداد

محدودیت تامین برق صنایع به‌طور کامل برطرف شد

از نیمه دوم تابستان محدودیت‌های تامین برق صنایع به‌تدریج کاهش یافت و برق بیشتری در اختیار واحدهای تولیدی قرار گرفت. به‌طوری که در ماه‌های گرم امسال تامین برق صنایع ۱۱ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت و به گفته سخنگوی صنعت برق، با تداوم این روند امروز محدودیت‌های تامین برق صنایع به‌طور کامل برطرف شد. به گزارش ایسنا، به دستور رییس جمهور و وزیر نیرو، تامین برق صنایع و پشتیبانی از استمرار تولید، در اولویت برنامه‌های صنعت برق قرار گرفت. در طول تابستان نیز با وجود آسیب‌دیدگی نیروگاه‌های صنایع تلاش شد با استفاده از ظرفیت‌های موجود، برق مورد نیاز واحدهای صنعتی تأمین و آثار محدودیت‌ها بر تولید کاهش یابد. به گفته احسان ذبیح‌زاده- سخنگوی صنعت برق- از نیمه دوم تابستان محدودیت‌های تأمین برق صنایع به‌تدریج کاهش یافت و برق بیشتری در اختیار واحدهای تولیدی قرار گرفت. به‌طوری که در ماه‌های گرم امسال تأمین برق صنایع ۱۱ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت. با تداوم این روند امروز محدودیت‌های تأمین برق صنایع به‌طور کامل برطرف شد. سخنگوی صنعت برق با قدردانی از همراهی واحدهای صنعتی تأکید کرد: پشتیبانی از تولید و تأمین برق مورد نیاز صنایع، همچنان از اولویت‌های اصلی صنعت برق است و با توجه به اینکه در ماه‌های پیش رو ظرفیت تولید بیشتر از نیاز مصرف برق کشور است امیدواریم با تأمین کافی سوخت نیروگاهی بتوان روند تأمین برق صنایع را به صورت حداکثری ادامه داد.

ادامه از صفحه اول

گاز ایران؛ از وفور منابع تا قدرت ژئواکونومیک

در عین حال، قراردادهای بلندمدت باید با ظرفیت پایدار عرضه و تحولات احتمالی تقاضا سازگار باشند. تعهدی که اجرای آن در شرایط بحرانی دشوار شود، ممکن است به‌جای افزایش نفوذ، هزینه اقتصادی و اعتباری ایجاد کند. بنابراین، قدرت قراردادی تنها در توان فروش خلاصه نمی‌شود؛ توان ایفای تعهدات نیز بخشی از آن است.

■ **همکاری با رقبا؛ منطق ائتلاف‌های اقتصادی**

در سطح بین‌المللی، مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) می‌تواند بستری برای تبادل داده، گفت‌وگوی سیاستی و شناسایی فرصت‌های همکاری فراهم کند. با این حال، این مجمع را نباید معادل اوپک یا ابزاری برای کنترل متمرکز قیمت و تولید گاز تصور کرد. ساختار متفاوت بازار گاز، تنوع قراردادها و تفاوت منافع صادرکنندگان، امکان هماهنگی را محدود می‌کند. برای ایران، همکاری با روسیه، قطر و دیگر تولیدکنندگان زمانی ارزشمند است که به منافع متقابل و پروژه‌های مشخص منجر شود. اشتراک در عضویت یک نهاد بین‌المللی الزاما به معنای هم‌سویی منافع نیست. تولیدکنندگان ممکن است در فناوری، تبادل اطلاعات یا توسعه برخی زیرساخت‌ها همکاری کنند، اما همزمان برای جذب سرمایه و دستیابی به بازارهای مصرف رقابت داشته باشند. از این رو، دیپلماسی انرژی باید بر مدیریت همزمان همکاری و رقابت استوار باشد. پیشنهادهای مشترک در زمینه پژوهش، کاهش نشت متان، ارتقای بهره‌وری و توسعه اطلاعات بازار می‌توانند نقطه شروع مناسبی باشند؛ مشروط بر آنکه مسوولیت‌ها، منابع مالی و معیارهای ارزیابی از ابتدا روشن باشند. از دیپلماسی انرژی تا حکمرانی ژئواکونومیک: ایران برای تبدیل ظرفیت گازی به قدرت پایدار، به نقشه راهی نیاز دارد که سه سطح را به هم پیوند دهد: اصلاح حکمرانی داخلی انرژی، توسعه شبکه همکاری‌های منطقه‌ای و افزایش توان رقابت در بازارهای جهانی. در سطح داخلی، اولویت با کاهش ناترازی، ارتقای بهره‌وری و افزایش قابلیت اطمینان عرضه است. در سطح منطقه‌ای، باید بازارها و پروژه‌ها بر اساس هزینه، ریسک، امکان اجرا و منافع بلندمدت اولویت‌بندی شوند. در سطح بین‌المللی نیز حضور در مجامعی مانند GECF باید به شناسایی شرکا، توسعه همکاری‌های فنی و ایجاد فرصت‌های تجاری مشخص بینجامد. برای سنجش پیشرفت، شاخص‌هایی مانند قابلیت تحویل پایدار، کاهش شدت مصرف انرژی، میزان تحقق تعهدات صادراتی، پیشرفت پروژه‌های زیرساختی و جذب سرمایه‌گذاری قابل اجرا، از تعداد تفاهمنامه‌ها و بیانیه‌ها معنادارترند. دیپلماسی اقتصادی زمانی موفق است که نتیجه آن در عملکرد واقعی اقتصاد مشاهده شود. در نهایت باید گفت که آینده قدرت گازی ایران نه فقط در میدان‌های گازی، بلکه در کیفیت حکمرانی انرژی، توان جذب سرمایه، اعتبار قراردادها و ظرفیت ایجاد پیوندهای پایدار با بازارهای منطقه‌ای رقم می‌خورد. منابع طبیعی مزیتی مهم هستند، اما این مزیت بدون زیرساخت و سیاست‌گذاری منسجم، به نفوذ اقتصادی متناسب تبدیل نخواهد شد. مساله ایران، انتخاب میان دیپلماسی و اصلاحات داخلی نیست؛ مساله، پیوند این دو در یک راهبرد واحد است. دیپلماسی بدون پشتوانه اقتصادی، به «اعلام مواضع» محدود می‌شود و اصلاحات داخلی بدون «تعامل موثر» با بازار و فناوری، با محدودیت روبه‌رو خواهد شد. ایران زمانی از قدرت ذخایر به قدرت ژئواکونومیک گذر می‌کند که بتواند نه فقط گاز بیشتری در اختیار داشته باشد، بلکه آن را با هزینه رقابتی، در زمان مناسب، از مسیرهای قابل اتکا و بر اساس قراردادهای معتبر به بازار برساند. این معیار واقعی سنجش جایگاه ایران در نظم آینده انرژی است.

عرضه اولیه در روزهای پرریسک بورس

می‌توان در مرحله نخست درصد کمتری از شرکت را وارد بازار کرد و بخش باقی مانده را پس از کاهش فشار خروج پول عرضه کرد. قیمت نیز بهتر است در نیمه پایین دامنه قرار گیرد تا صرف ریسک معناداری نسبت به اوراق دولتی ایجاد شود. تعهد بازارگردانی، حضور متعهد خرید و تخصیص اختیار فروش تبعی نیز باید واقعی و متناسب با حجم عرضه باشد. این ابزارها جای قیمت گذاری مناسب را نمی‌گیرند، اما می‌توانند بخشی از ریسک نقدشوندگی را کاهش بدهند. پس پاسخ به پرسش اصلی نه توقف کامل عرضه‌های اولیه است و نه ادامه عرضه‌ها بدون توجه به وضعیت بازار. عرضه اولیه در شرایط فعلی زمانی منطقی است که قیمت آن بر اساس سود نرمال شده تعیین شود، صرف ریسک جنگ در آن دیده شود، منابع زیادی از معاملات جاری خارج نکند و عرضه کننده نیز بخشی از ریسک پس از عرضه را بپذیرد. در بازار عادی می‌توان یک شرکت خوب را با قیمت خوب فروخت. در بازاری که دوباره جنگ را قیمت گذاری می‌کند، حتی شرکت خوب هم اگر بدون تخفیف کافی عرضه شود، به یک عرضه بد تبدیل خواهد شد.